

نقش تعلیم و تربیت در سبک زندگی اسلامی

علی جمعه حیدری^۱

چکیده

انسان موجودی است دارای عقل و آزادی و سرشار از استعدادهای خدادادی که قابلیت هر نوع شدن را دارد، هم می‌تواند «اعلی من الملائکه» شود که در زندگی فردی و اجتماعی جز در مسیر احسان و خدامحوری و صداقت و امانتداری قدم برنهد و هم می‌تواند «ادنی من البهائم» شود و برای رسیدن به هدف، هر وسیله‌ای را مباح شمارد.

به طور قطع در این صعود و سقوط و چگونه شدن انسان، مهمترین نقش را تعلیم و تربیت ایفا می‌کند؛ زیرا با تعلیم و تربیت صحیح است که استعدادهای انسان شکوفا شده و انسان با سبک و فرهنگ اسلامی آشنا می‌شود و طبعاً در زندگی فردی و اجتماعی از این فرهنگ تأثیر می‌پذیرد. البته این شکوفایی، آشنایی و تأثیرپذیری، مشروط به این است که تعلیم و تربیت مطابق با مبانی کتاب و سنت و عقل باشد، معلم و مربی شایستگی لازم برای تعلیم و تربیت و شناساندن متعلم به خودش را، آنچنان که هست و آنچنان که باید باشد، داشته باشد و آموزش قرآن، تقویت ایمان به اصول دین و احکام و اخلاق در شاگردان، از اولویت‌های برنامه آموزش و پرورش باشد. در این صورت است که نقش تعلیم و تربیت بر چگونه شدن انسان و نهایتاً در زندگی با سبک اسلامی، ثابت می‌شود.

کلیدواژه‌ها

انسان، تعلیم و تربیت، سبک زندگی اسلامی.

نقش تعلیم و تربیت در سبک زندگی اسلامی

^۱ دانش آموخته سطح چهار رشته فقه و اصول

پیشرفت‌های علمی و اختراعات و کشفیات خیره‌کننده و حیرت‌انگیز بشر که در پرتو آشنایی با گوشه‌ای از استعداد‌های شگفت‌انگیز او و در سایه تلاش شبانه‌روزی دانشمندان و نوابغ عالم به دست آمده، گرچه ظاهراً به خاطر انسان بوده است، ولی با کمال تأسف این صنایع و تکنولوژی - که بیانگر استعداد محیرالعقول و توانمندی‌های شگرف انسان است - دیوار بلندی شده برای بیگانگی انسان از خود و فراموش کردن خدا، معلوم است که خدا فراموشی، خود فراموشی را نیز در پی دارد: «نَسُوا اللَّهَ فَاُنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ» (حشر/۱۹). نتیجه خدا فراموشی و به دنبال آن خود فراموشی همین می‌شود که امروزه جهان شاهد آن است، از ناامنی‌های وحشت‌انگیز گرفته تا پایمال شدن کرامت و حقوق انسانی و قربانی شدن معنویت، اخلاق، ایمان و

به طور خاص، تهاجمات فرهنگی و تبلیغات سهمگین دشمنان اسلام از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی در جوامع اسلامی و غفلت امت اسلامی از آموزه‌های معقول و حیات‌بخش دینی و فرهنگی و اسوه‌های بی‌نظیر انسانی، سبب شده است که تعداد زیادی از مسلمانان به شدت تحت تأثیر فرهنگ منحط بیگانگان قرار گرفته و از فرهنگ غنی و آداب و سنن مترقی خود فاصله بگیرند و بدتر از آن، اگر بخواهند خودشان را مدرن و پیشرفته نشان دهند، سعی می‌کنند در زندگی فردی و اجتماعی خود از بیگانگان تقلید نموده و تابع فرهنگ و رسومات آنها باشند. امروزه جهان اسلام به شدت از این خود بیگانگی و تقلید از بیگانگان زیان دیده و بسیاری از مشکلات خانوادگی و اجتماعی، ریشه در تقلید از بیگانگان و دوری از فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی دارد.

بنابراین، ضرورت اقتضا می‌کند که برای ترویج و نهادینه ساختن سبک زندگی اسلامی، راهکارهای معقول و منطقی ارائه شود. به طور قطع، یکی از مهمترین این راهکارها، تعلیم و تربیت است. مقاله پیش رو بر آن است که در قالب سه فصل، نقش تعلیم و تربیت در سبک زندگی اسلامی را مورد بررسی قرار دهد و راه‌های تحقق آن را بازخوانی کند.

۱- کلیات

۱-۱- مفهوم‌شناسی واژه‌ها

۱-۱-۱- تعلیم و تربیت در لغت و اصطلاح

در مورد واژه «تعلیم» راغب نوشته است: «تعلیم یعنی تکرار زیاد چیزی تا جایی که اثری از آن در نفس آموزنده حاصل شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸۰). نیز تعلیم را به معنای دانش یا مهارتی را به کسی آموختن و یاد دادن و یاد گرفتن نیز گفته‌اند (فرهنگ سخن، ذیل تعلیم). تعلیم در اصطلاح چنین تعریف شده است: «سخن گفتن و القای کلمات معنادار تا متعلم به معانی آن الفاظ پی ببرد و بدین وسیله استعداد تعلم خویش را به فعلیت رساند و عالم شود» (امینی، ۱۳۸۶: ۲۸).

تربیت: تربیت از ماده «رب» است که از حروف «ر-ب-ب» تشکیل یافته و به معنای سوق دادن به سوی کمال و رفع نقایص است (مصطفوی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۲). راغب در مفردات می‌گوید: «الرَّبُّ» در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی، تا به حدّ نهائی و تمام و کمال آن برسد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۶). در مورد معنای اصطلاحی تربیت با توجه به اختلاف نظری که در زمینه‌های انسان‌شناسی و جهان‌بینی و هدف از خلقت انسان میان اندیشمندان وجود دارد، تعاریف مختلفی ارائه شده است که در اینجا به تعریفی که آیت‌الله امینی دارد اشاره می‌کنیم: «[تربیت یعنی] انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادها و نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند» (امینی، ۱۳۸۶: ۲۷).

سبک: شیوه مشخصی که در انجام گرفتن کاری یا ساخته شدن چیزی به کار می‌رود. شیوه، طرز، روش، قاعده و اسلوب (فرهنگ سخن، ذیل سبک). بنابراین سبک زندگی اسلامی یعنی زیستن در عرصه‌های مختلف با روش و شیوه‌ای که اسلام آن را می‌پسندد و مغایر با آموزه‌های دینی نیست.

۱-۲- جایگاه تعلیم و تربیت

مسئله تعلیم و تربیت در اسلام آنچنان اهمیت دارد که اولین آیات قرآن کریم که بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد، از خواندن و قلم و تعلیم و تعلم سخن می‌گوید: «...اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق / ۳-۵). و یکی از مهمترین اهداف بعثت رسل و انزال کتب از سوی خدای سبحان تعلیم و تزکیه (که همان تربیت است)، بیان شده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...» (بقره / ۱۵۱) ^۲.

از طریق تعلیم و تربیت صحیح است که انسان به شناخت انسان «آنچنان که هست» و «آنچنان که باید باشد» دست می‌یابد و بنیادهای فکری و شخصیت رفتاری انسان، بازسازی می‌شود. عمدتاً افراد تاریخ‌ساز و تحول‌آفرین در عرصه‌های مختلف، از همین مدرسه‌ها و مراکز آموزشی برمی‌خیزند؛ از این رو، علامه جعفری می‌گوید: «تعلیم و تربیت در دگرگون کردن انسانها نقش اساسی و ضروری داشته و دارد و خواهد داشت» (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۸۷).

^۲- شبیه به این تعبیر در آیات دیگر نیز آمده است: آل عمران / ۱۶۴، جمعه / ۲، بقره / ۱۲۹.

۱-۳- علم و ادب ریشه خوبیها و برترین هدیه

در آیات و روایات فراوان از علم و ادب تمجید شده است، به عنوان نمونه قرآن می‌فرماید: «...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله / ۱۱). رسول خدا ﷺ فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (طبرسی، ۱۳۴۴ ش، ۱۳۳). امیرمؤمنان (ع) علم را منشأ همه خیر و خوبیها معرفی کرده^۳ و ادب و تربیت نیکو را بهترین هدیه و بخشش پدر به فرزند بیان می‌کند. در مقابل، جهل و بی‌ادبی را ریشه تمام شرور و بدی‌ها می‌داند: «الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۳)، «عَدَمُ الْأَدَبِ سَبَبُ كُلِّ شَرٍّ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸ ق، ج ۲۰: ۲۵۸).

نکته قابل دقت اینکه در مورد پرورش و پالایش روحی و اخلاقی، لفظ «تربیت» در قرآن به کار نرفته و در احادیث نیز کمتر استفاده شده، بلکه در این مورد واژه تزکیه، ادب و تأدیب بیشتر به کار رفته است. تربیت در لغت به معنای پرورش و نمو دادن است و تزکیه نیز به همین معناست. راغب در مفردات می‌نویسد: «اصل زکات به معنای رشد و نمو و پرورش است که در مورد پرورش و طهارت نفس نیز استعمال می‌شود. گاهی تزکیه را به بنده نسبت می‌دهند به اعتبار اینکه آن را کسب می‌کند و به آن می‌رسد، مانند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس / ۹)، گاهی به خدا نسبت داده می‌شود، زیرا فاعل پرورش در حقیقت اوست، مثلاً: «...بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ» (نساء / ۴۹)، گاهی به پیامبر نسبت داده می‌شود، چون واسطه رسیدن کمال به بندگان است، مانند: «يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ» (بقره / ۱۵۱). و گاهی به عبادت نسبت داده می‌شود، زیرا وسیله پرورش و تکامل نفس است، مثل: «وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً» (مریم / ۱۳).

۱-۴- ضرورت تعلیم و تربیت

انسان از منظر قرآن کریم و آموزه‌های حیات بخش اسلامی، دارای جسم و روح است. بنابراین، همچنان که بدن انسان نیاز به تغذیه دارد، روح انسان نیز محتاج تغذیه است. اگر به بدن انسان آب و نان نرسد، به اندک زمانی از کارافتاده و نابود می‌شود، همین طور است جان آدمی اگر تعلیم و تربیت نشود. ولی نکته مهم این‌که: بین غذا و متغذی باید سنخیت باشد. غذای بدن، مادی و از جنس او است، غذای روح نیز باید معنوی و از سنخ او باشد. بدن نان و آب می‌خواهد و با فراگیری مطالب علمی و معارف دینی سیر نمی‌شود، روح نیز، با نان و آب سیر نمی‌شود بلکه غذا از جنس خودش می‌خواهد و غذای جان، علوم و معارف الهی است. او لقاء الله می‌خواهد

^۳ - «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده است، درجات عظیمی می‌بخشد».

^۴ - «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (علی بن حسن طبرسی، ۱۳۴۴ ش: ۱۳۳).

^۵ - «الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۱).

^۶ - «ما نحل والد ولدا نحلا افضل من ادب حسن» (نوری، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵: ۱۶۴).

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۶: ۹۰)، زیرا جانها و قلبها با یاد خدا به آرامش می‌رسد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/ ۲۸).

به تعبیر دیگر، همچنانی که غذای تن، مأكولات و مشروبات مادی است، غذای روح و جان آدمی، معنویت و اخلاق و علم همراه با حلم و تقوا است که این غذا در هر سفره‌ای نیست. تنها سفره‌ای که برای تغذیه روحی معرفی شده، قرآن کریم است که رسول خدا ﷺ آن را سفره گسترده خدا می‌داند: «القرآن مآدبه الله...» (علم الهدی، ۱۹۹۸م، ج ۱: ۳۵۴). بدیهی است که مهمترین راه تغذیه روح، یعنی فراگیری علوم و معارف، تعلیم و تربیت است.

۱-۵- ضرورت تعلیم و تربیت در اعلامیه جهانی حقوق بشر

از آنجا که موضوع تعلیم و تربیت یکی از موضوعات مهم و نقش‌آفرین است در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، روی آن تأکید شده است. چنانکه نویسندگان این اعلامیه می‌گویند: «هرکس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش، لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است، باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند» (پورکریم، ۱۳۵۸: ۳۵).

نکته‌ای که ذکر آن خالی از لطف نیست اینکه: اعلامیه جهانی حقوق بشر که محصول تلاش و تحقیقات صدها بلکه بیش از دوهزار متفکر از ملل و جوامع مختلف است (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۰۹) و با استفاده از هزاران جلد کتاب مربوط به قانون و حقوق و دیگر قراردادهای اجتماعی و بهره‌گیری از محصولات فکری نوابغ قرون و اعصار طولانی از «افلاطون» گرفته تا «ژان ژاک روسو» و «منتسکیو» و هزاران قانون‌گذار و حقوقدان، تدوین یافته است (همان: ۱۱۰)، همان سخنی را گفته است که اسلام چهارده قرن قبل آن را به مراتب کامل‌تر و جامع‌تر مطرح کرده است. از جمله مسأله تعلیم و تربیت است که در اولین پیام حیات بخش اسلام و نخستین آیات آسمانی قرآن کریم انعکاس چشمگیر یافته است.

۱-۶- زندگی به سبک اسلامی

از آنجا که هدف اصلی این مقاله، اثبات نقش تعلیم و تربیت در سبک و فرهنگ زندگی اسلامی است، لازم است توضیحی هرچند مختصر درباره سبک زندگی اسلامی ارائه شود تا رابطه این دو بهتر و بیشتر روشن گردد. از مهمترین شاخصه‌های زندگی با سبک و فرهنگ اسلامی این است که محور زندگی انسان خدا باشد، بر این اساس سبک زندگی اسلامی در مقابل انسان‌محوری و اومانیسیم قرار می‌گیرد. زندگی با سبک اسلامی یعنی شناخت «انسان آنچنان که هست» و «آنچنان که باید باشد» و از دیگر شاخصه‌های آن هدفمندی در زندگی

است، چیزی که آیات (ر.ک. مؤمنون / ۱۱۵، آل عمران / ۱۹۱ و...) و روایات (ابن بابویه، ۱۴۲۶ق، ج: ۱، ۱۰) بر آن تأکید دارند و در مقابل پوچ‌انگاری و نهیلیسمی قرار می‌گیرد که بشر را از خودش بیگانه ساخته است. به‌طور کلی زندگی با سبک اسلامی یعنی زندگی بر اساس بایدها و نبایدهای قرآن کریم، سنت معصومین علیهم‌السلام و عقل، بدین معنا که رفتار و گفتار انسان چه در زندگی فردی و خانوادگی و چه در زندگی اجتماعی، با موازین و آموزه‌های این منابع مطابق باشد. قرآن که برای هدایت مردم («هُدًى لِلنَّاسِ» بقره / ۱۸۵) و رهاندن انسان از تاریکی‌ها و رساندن او به روشنایی، نازل شده است («هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» حدید / ۹)، باید محور باشد. سنت معصومین علیهم‌السلام که مفسر و مبین قرآن کریم است و عقل که مؤید و وسیلهٔ درک این مفاهیم حیات‌بخش است نیز، باید نقشهٔ راه و چراغ مسیر تکامل باشند. بر کسی پوشیده نیست که آشنایی با آموزه‌های اسلام و بایدها و نبایدهای قرآن و سنت و عقل، تنها از طریق تعلیم و تربیت صحیح امکان‌پذیر است، از این جهت است که در اسلامی شدن زندگی، مهمترین نقش را تعلیم و تربیت ایفا می‌کند.

۱-۷- نقش تعلیم و تربیت در سبک زندگی اسلامی

نقش تعلیم و تربیت در چگونه زیستن انسان، از این جهت کلیدی است که با علم‌آموزی و تربیت صحیح است که انسان می‌تواند مهارت‌های زندگی معقول و مطلوب را فرا گرفته و برای رسیدن به رشد و کمال خود تلاش نماید. علاوه بر قرآن کریم، روایات فراوان نیز انسانها را، به فراگیری علم و ادب تشویق می‌کند و این کار را عامل زندگی باعزت و شرافتمندانه و سبب موفقیت و سیادت انسان در (طول زندگی و) دوران بزرگسالی بیان می‌کند. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «تعلموا العلم صغارا تسودوا به کبارا: در کودکی دانش بیاموزید تا در بزرگسالی به آن شرافت و بزرگی یابید» (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸، ج ۲۰: ۲۶۷). مهمتر از آن فرمود: «اكتسبوا العلم يكسبكم الحياة: کسب علم کنید تا زندگی را برای شما کسب کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۳).

معلوم است که آن زندگی که امیرمؤمنان از آن سخن می‌گوید و علم و دانش را عامل آن بیان می‌کند، یعنی زندگی در مسیر رشد و کمال، یعنی زندگی با سبک و فرهنگ اسلامی، زندگی شرافتمندانه و باعزت؛ زیرا زندگی دور از یاد خدا و منهای عمل به دستورات اسلام، از منظر امام علی علیه‌السلام نه تنها زندگی اسلامی و باعزت نیست، بلکه در حقیقت مرگ و نابودی است. چنانکه در نهج البلاغه فرمود: «الحياه فى موتكم قاهرین و الموت فى حیاتکم مقهورین» (نهج البلاغه / خطبه ۵۱). امام صادق علیه‌السلام گفتار لقمان حکیم به فرزندش را چنین نقل فرموده‌اند: «یا بنی! ان تأدبت صغیرا إنتفعت به کبیرا: اگر در کودکی ادب آموختی (و به آداب نیک مؤدب گشتی) در بزرگی از آن بهره‌مند خواهی شد» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۶۵). از مجموع این روایات به خوبی نقش فوق العادهٔ تعلیم و تربیت در زندگی با سبک اسلامی ظاهر می‌شود.

۲- ارکان تعلیم و تربیت

در تعلیم و تربیت، چهار چیز نقش محوری دارد که می‌توان از آنها با عنوان ارکان تعلیم و تربیت یاد کرد: ۱- انسان مورد تعلیم و تربیت، ۲- معلم و مربی، ۳- مبانی و مواد تعلیم و تربیت و ۴- اهداف و چشم‌اندازهایی که برای تعلیم و تربیت تعریف می‌شود. زمانی تعلیم و تربیت می‌تواند انسان‌ساز، نقش‌آفرین و ضامن اجرای دستورات دین و پیاده کردن سبک زندگی اسلامی در جامعه باشد که ارکان چهارگانه آن، به طوری بایسته و شایسته مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

۲-۱- انسان مورد تعلیم و تربیت

چنانکه پیشتر اشاره شد، انسان موجودی است که قابلیت هرگونه شدن و گردیدن را دارد. چنانکه گفته‌اند: «در این دنیا هیچ حیوانی پشه آفریده نمی‌شود که بعدها در هوا عقاب، در دریا نهنگ و در خشکی شیر شود، مگر انسان» (حقوق جهانی بشر، ۱۳۸۸ ش: ۳۹۵). برای تصدیق این تشبیه ادبی کافی است که نگاهی اجمالی به تاریخ جنایتکارانی بیندازیم که اگرچه در هنگام تولد آنچنان ضعیف بودند که حتی قدرت راندن یک مگس را از صورت خود نداشتند، دیری نگذشت که خودشان را آنچنان قدرتمند گمان کردند که حتی با خدا و فرستادگان او که منادیان توحید و عدالت بودند، به مبارزه برخاستند و ضمن اسیر شهوت و هواهای نفسانی قراردادن عقل و وجدان اخلاقی، دست به هر جنایتی زدند و میلیون‌ها انسان را به کام مرگ فرستادند. در مقابل این‌گونه دگرگونی، تحولات تکاملی را هم در انسانها مشاهده می‌توان کرد که اگر زمین و آسمان و آنچه که در میان آن دو است به او می‌دادند که به ستم، جوی را از دهان مورچه‌ای بکشد، امتناع می‌ورزید (نهج البلاغه/ خطبه ۲۲۴). ارزش زمامداری و سروری بر تمام دنیا را کمتر از بند لنگه کفش می‌دید، مگر اینکه عدالت بورزد و حقی را احقاق و باطلی را نابود سازد (همان/ خطبه ۳۳).

البته به این نکته باید توجه داشت که هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که انسانهای معمولی در سیر تکاملی و فرایند تعلیم و تربیت بتوانند به امام علی علیه السلام برسند، ولی با کمال صراحت می‌توان ادعا کرد که بشر می‌تواند با فراگیری تعلیم و تربیت درست، به سلمان برسد: «سلمان منا اهل البیت» (ابن بابویه، ؟؟، ج ۲: ۶۴) یا ابوذر که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌اش فرمود: «ابوذر صدیق هذه الامه» (همان: ۶۵).

بنابراین، نظام آموزشی هر جامعه است که ضمن شکوفا ساختن استعدادهای محیرالعقول انسان، او را با حیات معقول و زندگی اسلامی آشنا ساخته و به مسیر رشد و تکامل، رهنمون می‌شود.

۲-۱-۱- بهترین زمان شکوفاسازی استعدادها با تعلیم و تربیت صحیح

انسان موجودی است که تا در قید حیات است، نیازمند تعلیم و تربیت است تا جایی که رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم از سوی خدای سبحان مأمور می‌شود که همواره بگوید: خداوندا، بر علم من بیفزا: «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/ ۱۱۴). اما در

بعضی از مراحل زندگی، انسان برای دریافت داده‌های تعلیمی و تربیتی آمادگی بیشتری دارد و آن زمان کودکی و نوجوانی است. انسانی که تازه به دنیا آمده، «حدیث العهد بالرب» است، یعنی تازه از حضور ذات اقدس خداوند تنزل کرده و به خدا تعهد توحید ربوبی سپرده و به یاد اوست. او خدای خود را خوب می‌شناسد و به موادی که بر اساس آن به خدا تعهد توحید ربوبی سپرده آگاه است و با سرمایه الهام و آگاهی «فَأَلَّهْمَهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس / ۷ و ۸) به دنیا آمده و هنوز رنگ تیره طبیعت او را رنگین نکرده و قابل ترقی است. بنابراین، قبل از اینکه با عادات و رسوم دیگر آشنا شود، باید او را با تربیت و آداب صحیح که «صبغة الهی» است رنگین کنیم و نگوییم که کودک است و باید بازی کند و هرچه خواست بگوید» (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن: ۱۴۵ - ۱۴۶).

در همین سنین است که صفحه ذهن و دل انسان خالی و آماده دریافت هر نوع اطلاعات نظری و تقلید عملی است. چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «وَأِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» قلب نوجوان چون زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود» (نهج البلاغه / نامه ۳۱). بعضی روایات، علم آموزی در زمان کودکی و نوجوانی را چنان ماندگار و در بازسازی شخصیت و چگونه زیستن انسان اثرگذار می‌داند که آن را به نقاشی در سنگ تشبیه می‌کند. امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «العلم فى الصغر كالنقش فى الحجر» (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۱۹). بنابراین، سنین کودکی و نوجوانی بهترین زمان تعلیم و تربیت است و پدران و مادران و معلمان و مربیان، باید کاملاً مراقب باشند که با گفتار و رفتار خود و انتقال مواد تعلیمی، چه چیزی را در ذهن خالی و آماده بذرافشانی اطفال و شاگردانشان می‌کارند؟

۲-۲-۲- مربی و معلم

ناگفته پیداست که معلم و مربی حقیقی انسانها خداوند متعال است، زیرا هرچه از حقایق و واقعیات عالم هستی که انسان درک می‌کند با کمک ابزار و وسایلی است که خداوند در اختیار بشر قرار داده و ساختار وجودی انسان، اعم از ساختار و ابزار برونى و درونى که در فرایند ادراک و فهمیدن به جریان می‌افتد، از سوی خداوند افاضه شده است.

آیاتی متعدد از قرآن کریم نیز، ناظر به این حقیقت است که اولین معلم و مربی انسان خداوند است: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق / ۴ و ۵)، «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره / ۳۱)، «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (رحمن / ۱-۴).

بعد از خدای سبحان، پیامبران الهی اولین معلمان و مربیان انسان به شمار می‌روند. در آیات متعدد قرآن کریم پیامبران، مربیان و آموزگاران بشر معرفی شده‌اند و ذکر شده که فلسفه بعثت پیامبران تعلیم و تربیت است.^۷ خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی ﷺ فرمود: «بعثنی معلماً میسراً: خدای سبحان مرا آموزگار آسان‌گیر مبعوث فرموده است» (نهج الفصاحه: ۳۰۱).

بنابراین کار معلمان و مربیان در امتداد کار انبیاء و از جایگاه بسیار والا برخوردار است. طبعاً وظایف بسیار مهم و سنگینی در قبال تعلیم و تربیت شاگردانشان دارند که اگر در انجام این مسئولیت سنگین الهی، وجدانی و اجتماعی، غفلت و سهل‌انگاری کنند، بزرگ‌ترین خیانت و جنایتها را نسبت به آنها مرتکب شده‌اند.

۲-۱- نقش کلیدی معلم در چگونه شدن متعلم

در فرایند تعلیم و تربیت، آموزگاران و مربیان از همه بیشتر نقش ایفا می‌کنند، زیرا در محیط آموزش و پرورش، با روح و جان متعلمینی در ارتباطند که قابلیت هرگونه شدن و گردیدن را دارند. چنانکه علامه جعفری خطاب به معلمین و مربیان می‌گوید: «آقایان معلمان و مربیان عزیز! هر نونهالی که در برابر شما قرار گرفته و شما می‌خواهید او را تعلیم و تربیت نمایید، یقین بدانید که با موجودی سر و کار پیدا کرده‌اید که می‌تواند در خط سَفید - خط ابراهیم و موسی و عیسی و محمد و علی علیهم‌السلام پیش برود که پاسخی برای سؤال فرشتگان از خدا درباره خلقت آدم باشد و به تنهائی به مرحله جان جهان برسد، و می‌تواند خط سیاه - خط چنگیز و نرون و تیمور لنگ و آتیلا و سزار بورژیا و یزید و ماکیاولی - را پیش بگیرد که جز خود منحوسشان، هیچ چیز و هیچ کسی را شایسته پوشیدن لباس هستی نمی‌دانند مگر اینکه وسیله‌ای برای اهداف آن ضد انسانها باشند» (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱۹: ۲۸۸). از این جهت است که امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس / ۲۴) فرمود: «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ: علمی که آن را فرامی‌گیرد باید ببیند که از چه کسی می‌گیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۰).

۲-۲- آموزگاران نالایق یا قاتلان ارواح

زیانی که معلمان ناشایست به متعلمین و جامعه می‌رسانند، غیر قابل انکار و جبران‌ناپذیر است. ممکن است بی‌اعتقادی به مبدأ و معاد، بی‌هدفی در زندگی و دوری از اخلاق و احکام را به ذهن خالی دانش‌آموزان منتقل نموده و زمینه ترور شخصیتی و قتل روحی و معنوی آنها را فراهم سازند. اینجا است که می‌توان گفت: معلمان و مربیان که بدون علم و آگاهی و یا از روی هوا و هوس و اغراض غیرانسانی، کسانی را از زندگی معقول و هدف‌دار محروم می‌سازند، قاتلان ارواح آن مردم هستند؛ به قول جبران خلیل جبران که گفته است: «دزدی که شکوفه و گلی را بدزدد (در منطق مدعیان ترقی و تمدن) توبیخ می‌شود که چرا آن را دزدیده، در حالی که اگر آن

^۷ - بقره/ ۱۲۹ و ۱۵۱، آل عمران/ ۱۶۴ و جمعه/ ۲.

تیهکار همه مزرعه (گلستان) را بدزد، قهرمان و باعظمت نامیده می‌شود و کسی که کالبد جسمانی شخصی را بکشد، در برابر آن جرم کشته می‌شود، در حالی که بشر اطلاعی از قاتل روح ندارد (این تکامل یافتگان! اعتنایی به قاتلان ارواح بشری ندارند!)» (به نقل از جعفری، ۱۳۸۸: ۳۸۷-۳۸۸).

۲-۳-۲- نقش معلمان صالح در تعلیم و تربیت

در مقابل معلمان فاسد و ناهل، معلمان صالح و دلسوزند که فوق‌العاده نقش سازنده و مثبت دارند و حتی می‌توانند از افرادی که از نظر وراثت و خانوادگی زمینه منحرف شدن از مسیر حق و کمال را دارند، انسانهای برجسته و تاریخ‌ساز، بسازند. برای تأیید این سخن به نمونه‌های زیر اشاره می‌شود:

۲-۳-۲-۱- محمد بن ابی بکر فرزند خیرخواه امام علی علیه السلام

محمد بن ابی بکر با وجود آنکه از پدری مثل ابوبکر بن ابی قحافه که از اولین ظالمان برخاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود، به دنیا آمد، چون تحت تعلیم و تربیت معلم ربانی مثل امیرمؤمنان علی علیه السلام قرار گرفت، یکی از شخصیت‌های برجسته شد تا جایی که شایستگی کارگزاری در حکومت امام علی علیه السلام را پیدا کرد و زمانی که توسط مأمورین معاویه به شهادت رسید، امام علی علیه السلام به شدت اندوهناک شد و او را چنین توصیف فرمود: «فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُهُ وَ لَدَا نَاصِحًا وَ غَامِلًا كَادِحًا وَ سَيِّفًا قَاطِعًا وَ رُكْنًا دَافِعًا...^۸، در پیشگاه خداوند او را فرزند خیرخواه و کارگزار کوشا و شمشیر برنده و ستونی بازدارنده می‌شماریم» (نهج البلاغه / نامه ۳۵).

۲-۳-۲-۲- معلم معاویه بن یزید زنده به گور شد.

بعد از سه سال حکومت سراسر ظلم و جنایت یزید بن معاویه، فرزند بیست و دوساله او به نام معاویه بن یزید به خلافت و حکومت رسید. او تنها چهل روز زمامداری مسلمین را به عهده داشت. روز چهلیم به منبر رفت، جد و پدرش را به شدت نکوهش کرد و آنها را کسانی معرفی کرد که بدون هیچ‌گونه لیاقتی خلافت را قبضه کردند و کارهایی انجام دادند که نباید انجام می‌دادند، سپس از منبر پایین آمده ضمن کناره‌گیری از خلافت و خانه‌نشینی، درب خانه را به روی همه بست تا بعد از چهل روز از دنیا رفت (محقق فیروزآبادی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۲۳). بعد از این واقعه، بنی‌امیه به معلم و مربی او، عمر مقصوص، که مردی شیعه بود گفتند: «أنت علمته حب علی و أولاده» تو او را با حب علی علیه السلام و اولاد او تربیت کردی و او را زنده به گور کردند (مغنیه، ۱۴۱۴ق: ۱۶۴)، زیرا آنها معتقد

^۸ - ابن ابی الحدید بعد از نقل این نامه با شگفتی می‌گوید: «فصاحت را بین که چگونه عنان خود را به دست این مرد (امام علی علیه السلام) داده؟ و مهار خود را به او سپرده است؟ نظم عجیب الفاظ را تماشا کن که یکی پس از دیگری با زیبایی خاصی می‌آیند و می‌روند [مانند چشمه‌ای که خود به خود از زمین بجوشد!]» (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۱۴۵).

بودند که اگر تعلیم و تربیت این استاد نبود و او را بر اساس شیعه‌گری تربیت نمی‌کرد، هیچگاه فرزند خلیفه این چنین ناخلف (به زعم آنها) و دشمن بنی‌امیه بار نمی‌آمد.

۲-۳-۳- عمر بن عبد العزیز و سخن معلم

نمونه‌ای دیگر از تأثیر و نقش شگفت‌آور معلم بر جان و روح کودکان و نوجوانان، قضیه عمر بن عبد العزیز و معلمش است. عمر بن عبد العزیز یکی از خلفای مقتدر بنی‌امیه، در کودکی نزد عبیدالله بن عتبّه بن مسعود درس می‌خواند. روزی معلم او متوجه شد که عمر، امیرمؤمنان علی علیه السلام را لعن می‌کند، لذا با خشم و ناراحتی به او گفت: از کجا دانسته‌ای که خداوند بعد از آنکه از اهل بدر راضی شده، بر آنان خشم نموده (و آنها مستحق لعن شده‌اند)؟ تمام افتخارات بدر مال علی علیه السلام است. این سخن آموزگار آنچنان بر عمر بن عبد العزیز اثرگذار شد که همانجا قسم یاد کرد که دیگر امیرمؤمنان علی علیه السلام را لعن نکند. بعدها سخنی از پدرش شنید که گفت: اگر مردم از فضایل این مرد (علی علیه السلام) به اندازه ما آگاه بودند، دیگر کسی از ما تبعیت نمی‌کرد و به اولاد او رو می‌آوردند و این او را به یاد حرف معلمش انداخت که در طفولیت به او گفته بود. پس با خدای خود عهد کرد که اگر به حکومت رسید، لعن بر حضرت علی علیه السلام را (که به صورت رسم همیشگی درآمده بود) براندازد. هنگامی که به خلافت رسید لعن بر آن حضرت را از خطبه‌ها برداشت و به جای آن آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» را قرار داد (ابن اثیر، ۱۳۹۹ش، ج ۵: ۴۲) و ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸ق، ج ۴: ۵۹). این خدمت عمر بن عبد العزیز به شیعیان بلکه به جهان اسلام، مرهون معلم صالح و بالی‌اقت او بود که بعد از حدود شصت سال، توانست میراث شوم معاویه را از میان بردارد.

این چند نمونه از واقعیت‌های تاریخی، از یک سو تأثیر فوق‌العاده معلم بر چگونه شدن متعلمان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نقش تعلیم و تربیت صحیح بر زندگی افراد را به تصویر می‌کشد.

۲-۳-۳- مبانی و مواد تعلیم و تربیت

تمام آموزه‌های حیات‌بخش اسلام در سه حوزه عقاید، اخلاق و احکام، دسته‌بندی می‌شود که از چهار منبع اولیه سرچشمه می‌گیرد:

۱) کتاب الله (قرآن کریم) که یگانه کتاب آسمانی و معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» است و پاسخگوی بشر تا روز قیامت است.

۲) سنت که شامل گفتار، رفتار و امضای عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. از نظر شیعه گفتار و کردار و امضای عملی امامان معصوم و حضرت زهرا علیها السلام نیز در مجموعه سنت قرار دارد و مثل قول و فعل و تقریر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بیان‌کننده دستورات اسلام و حجت است (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۱).

تُرْهِيُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...^۹ (انفال / ۶۰)، بر پویایی، توانمندی و خودکفایی در عرصه نظامی و دفاعی تأکید می‌کند، با خیر: «...إِنْ تَرَكَ خَيْرًا...» (بقره / ۱۸۰) و مایه قوام زندگی دانستن مال و ثروت: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...»^{۱۰} (نساء / ۵)، اهتمام اسلام به مسائل اقتصادی را نشان داده و به‌طور ضمنی استقلال، بالندگی و خودکفایی در آن را خواستار می‌شود. با اعلام منشور پایه اخلاقی: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^{۱۱} (حجرات / ۱۳)، بر هر نوع برتری جویی و تبعیض منفی، خط بطلان کشیده و ملاک کرامت و برتری انسانها را تقوا معرفی می‌کند که زیربنای نظام اخلاقی و تنها ارزش مطلق اخلاقی در قرآن، تقوا است.

با مایه آرامش خواندن زن و مرد را در کنار هم: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...»^{۱۲} (روم / ۲۱) و همچنین نقش لباس داشتن هر کدام نسبت به یکدیگر: «...هُنَّ لِيَابِسُ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَابِسُ لَهُنَّ» (بقره / ۱۸۷) از یک سو به تشکیل خانواده تشویق و ترغیب می‌کند و از سوی دیگر بنیان‌های خانواده را استحکام می‌بخشد. با نوای ملکوتی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۱۳} (آل عمران / ۲۰۰) یک برنامه زندگی شرافتمندانه را اعلام می‌کند که همهٔ درسهای انسان‌ساز را برای فرد و جامعه‌ای تکامل خواه دربردارد و همگان را به صبر و استقامت در برابر دشمن درونی و بیرونی دعوت نموده و پاسبانی از مرز جغرافیای اعتقادی و فرهنگی را خواستار می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۶۶) و در پایان شاه کلید ارزشهای اخلاقی یعنی تقوا را از همگان می‌طلبد و با فریاد: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^{۱۴} (مجادله / ۱۱)، بر دانش‌افزایی و علم‌اندوزی و نهایتاً بر پیشرفت‌های علمی تأکید و تشویق می‌کند.

انسانهایی که با چنین آموزه‌های نجات‌بخش و مبانی حیات‌آفرین، تعلیم و تربیت یافته باشند، جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند که در آن زندگی اسلامی و قرآنی در جریان باشد.

۹ - «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید و [همچنین] اسبهای ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیلهٔ آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید».

۱۰ - «اموال خود را که خداوند وسیلهٔ قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید».

۱۱ - «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

۱۲ - «و از نشانه‌های او (خداوند) اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید».

۱۳ - «ای کسانی که ایمان آورده اید، (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید».

۱۴ - «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده است، درجات عظیمی می‌بخشد».

۲-۳-۱-۲- تعلیم و تربیت سنت محور و زندگی به سبک اسلامی

بدون تردید احادیث و روایاتی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده و به دست مسلمانان رسیده است، گنجینه‌های عظیم و سرمایه‌های نفیسی هستند که تقریباً برای تمام زمینه و زوایای زندگی انسان راهکار و دستورالعمل ارائه کرده‌اند. استفاده از این گنجینه بی‌نظیر معنوی در نظام تعلیمی و آشناساختن متعلمان و متریبان با این ذخایر گرانبها، تضمین‌کننده اسلامی ساختن زندگی در عرصه‌های مختلف است.

نظر به اهمیت آشنایی با احادیث معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است که آن معلمان الهی و مربیان تربیت‌یافتگان مکتب وحی، بر آموزش احادیث معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به نوجوانان و انسانهای مورد تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند. امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «به فرزندانان از دانش ما بیاموزید. چیزی را که خداوند آن را برایشان سودمند قرار می‌دهد و (مراقب باشید که) مرجئه (فرقه ضاله) با فکر خود بر آنان سلطه نیابد» (بروجردی، ۱۳۸۶ش، ج ۲۱: ۸۵۳) و حر عاملی، ۱۴۲۷، ج ۲۶: ۴۷۸). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ، در آموزش حدیث به نوجوانان شتاب کنید پیش از آن که مرجئه (فرقه ضاله) به سراغ آنان بروند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۱۱۱) و (حر عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱۷: ۳۳۱).

به نظر می‌رسد که تشویق و تأکید بر حدیث‌آموزی به نوجوانان و افراد مورد تعلیم و تربیت و برحذر داشتن از اینکه تحت تأثیر مرجئه قرار بگیرند، به عنوان یک قانون عمومی و دستورالعمل جامع مطرح است. بدین معنا که در هر زمانی باید نوجوانان و افراد تحت تعلیم و تربیت را دریافت و مواظب بود که فرقه‌های ضاله و گروه‌های منحرف آنها را در اختیار نگیرند و ذهن خالی آنها را با افکار و اندیشه‌های ضد دینی و غیر اخلاقی پر نکنند. بنابراین می‌توان گفت نام بردن از فرقه مرجئه در روایات به عنوان مثال و ارائه مصداقی از فرقه‌های ضاله است، زیرا در آن زمان یکی از آن فرقه‌ها مرجئه بوده است.

بنابراین، در این عصر و زمان اگر متولیان امر تعلیم و تربیت، مزرعه خالی و مستعد اطفال، نوجوانان و جوانان را از همان ابتدا با آموزه‌های قرآنی، احادیث معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و سخنان سودمند بذرافشانی نکنند و آنها را تغذیه فکری و اخلاقی سالم نمایند، خطر افتادن به دام مرجئه‌های این زمان مانند: بهائیت، وهابیت، اسلام سکولاریستی، اسلام تکفیری و تحجرگرایی، عرفانهای ضاله و گروه‌های تروریستی، جدی خواهد بود.

۲-۳-۱-۳- نقش تعلیم و تربیت عقلانی در سبک زندگی اسلامی

در کنار کتاب و سنت، عقل‌گرایی و آموزش بر اساس عقلانیت، یکی از مبادی مهم تعلیم و تربیت به شمار می‌رود؛ زیرا علاوه بر اینکه عقل در اسلام از جایگاه بسیار رفیع برخوردار است (و اولین مخلوق خداوند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۹۹)، بهترین عطای الهی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۲)، حجت و پیغمبر درونی انسان (حرانی، ۱۳۸۷: ۸۵۴) ... معرفی شده است که باید از آن بهره گرفت)، شواهد عینی و تجربیات تاریخی به وضوح

نشان می‌دهد که اگر آموزش و پرورش متعلمان و متریبان بر اساس عقلانیت نباشد و این نیروی خدادادی شکوفا نگردد و از آن در فرایند تعلیم و تربیت کمک گرفته نشود، چه بسا آن تعلیم و تربیت به تحجرگرایی و جمود فکری منتهی شود، همان چیزی که امروزه جهان اسلام به شدت از این ناحیه ضربه و آسیب می‌بیند. اکثر قریب به اتفاق کسانی که در سنین کودکی و نوجوانی، تحت تعلیم و تربیت با مبانی غیرعقلانی قرار می‌گیرند، متحجران و کنج‌اندیشانی بار می‌آیند که به هرکار غیرمعقول و ضد دینی و هر جنایت ضد انسانی دست می‌زنند و حتی حاضرند حملات انتحاری مرگباری انجام دهند. در حالی که اگر تعلیم و تربیت این‌گونه افراد با مبانی عقلانی صورت می‌گرفت و نیروی عظیم عقلی و وجدانی آنها شکوفا می‌شد، به هیچ وجه مرتکب آن جنایات هولناک نمی‌شدند؛ زیرا هیچ عقل سلیم و هیچ وجدان پاک، به خاک و خون کشیدن انسانهای بی‌گناه و زنان و کودکان را اجازه نمی‌دهد.

۲-۴- هدف از تعلیم و تربیت

هدف از تعلیم و تربیت باید همان چیزی باشد که انبیای عظام که مربیان الهی هستند، برای آن مبعوث به رسالت شدند و مأموریت تبلیغ و ارشاد آن را پیدا کردند و آن شکوفا ساختن فطرت توحیدی و خداشناسی انسان (؛ «فُطِرَتِ اللّٰهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» (روم / ۳۰)، که قدرت مطلقه و حکمت بالغه خدای سبحان در نهاد هر انسان قرار داده است)، یادآوری نعمتهای فراموش شده و برافروختن چراغ معرفت و آشکار ساختن توانمندی‌های پنهان عقل است. چنانکه امیر مؤمنان (ع) فرمود: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ... وَ يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه/ خطبه ۱). و همچنین بارور ساختن نهال تمایل به ایمان و خوبی‌ها و نفرت از کفر و نافرمانی و گناه؛ زیرا این تمایل و نفرت در نهاد آدمی قرار داده شده است: «حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ...»^{۱۵} (حجرات / ۷).

یکی دیگر از اهداف تعلیم و تربیت، بایستی فعال و شکوفا ساختن وجدان اخلاقی انسانهای تحت تعلیم و تربیت باشد؛ زیرا این نیروی عظیم خدادادی نیز در نهاد و فطرت هرانسانی وجود دارد و خداوند با قدرت مطلقه اش تقوا و فجور، خوبیها و زشتیها را به انسانها الهام فرموده است: «وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فِجْوَرَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس / ۷ و ۸). چنانکه پیامبر اکرم (ص) نیز یکی از اهداف رسالتش را اتمام و تکمیل بزرگواری‌های اخلاقی بیان می‌فرماید: «انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۶: ۲۱۰).

^{۱۵} - «خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهايتان زينت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است.»



اگر تعلیم و تربیت، خدا محور و اخلاق بنیان شد و شاگردان و افراد تحت تعلیم و تربیت در فرایند علم‌آموزی، با مبدأ و معاد و نظام اخلاقی اسلام آشنا شدند و معتقد به خدا و قیامت و متخلق به اخلاق و فضایل گردیدند، آن زمان است که تعلیم و تربیت نردبان صعود و سکوی پرش به قله‌های کمال خواهد بود و سبک زندگی اصلاح می‌شود.

۲-۴-۱- اهداف تعلیم و تربیت در اعلامیه حقوق بشر

در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز هدف از تعلیم و تربیت را شکوفایی کامل شخصیت بشری و تقویت احترام به حقوق دیگران و آزادی‌های اساسی و ایجاد حسن تفاهم و احترام متقابل بیان می‌کند، چنانکه می‌گوید: «آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال رشد آن برساند و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید» (پور کریم، ۳۵: ۳۳). هرچند برخی از گزینه‌های این اعلامیه مورد نقد و نظر است، به طور کلی این اهداف که در مطالب فوق و اعلامیه حقوق بشر بیان شد، تنها از طریق تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است و متولیان این امر مهم باید، تحقق این اهداف را در چشم‌انداز و دورنمای تعلیم و تربیت بگنجانند.

۳-۳- شاخصه‌های تعلیم و تربیت

در این فصل به برخی از موضوعات به عنوان شاخصه‌های تعلیم و تربیت اشاره می‌شود که اگر در فرایند آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرند، برای اسلامی شدن سبک و فرهنگ زندگی تضمینی خواهد بود.

۳-۱- پرورش ایمان و اعتقاد دینی

یکی از اساسی‌ترین شاخصه جامعۀ اسلامی که لازم است نظام آموزش و پرورش آن را در رأس مسائل تعلیم و تربیت و از اولویت‌های مواد تعلیمی قرار دهد، ایمان و اعتقاد صحیح دینی است؛ زیرا ایمان مذهبی در بهبود روابط اجتماعی و زندگی به سبک اسلامی نقش تعیین‌کننده دارد. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دلها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزشهای اخلاقی اعتبار می‌بخشد، شجاعت مقابله با ستم ایجاد می‌کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است» (مطهری، ج ۲: ۴۷ - ۴۸).

بنابراین، سه نوع ایمان و شناخت در رأس قرار دارد که از آنها به اصول دین تعبیر می‌شود: ۱- ایمان به مبدأ و خداشناسی، ۲- ایمان به نبوت و راهنماشناسی و ۳- ایمان به قیامت و معادشناسی.



۳-۱-۱- ایمان به مبدأ و خداشناسی

از آنجا که آغاز راه دیانت، خداشناسی است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ» (نهج البلاغه/ خطبه ۱) و سعادت راستین در گرو دیانتی محکم و متین است، خداشناسی اساس سعادت انسان است (غروی، ۱۳۸۵: ۱۹). از آنجا که نخستین سنگ بنای علم و معرفت نیز خداشناسی است: «اول العلم معرفه الجبار» (محمدی، ۱۳۷۸ ش: ۱۹) و از آنجا که مهمترین مسأله و بارزترین بحث، مباحث خداشناسی است، چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) شناخت خدا را بالاترین معارف بیان می‌کند: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ أَعْلَى الْمَعَارِفِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۸۶) و امام صادق (ع) علم به خدا را برترین عبادت می‌داند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِلْمُ بِاللَّهِ» (حرانی، ۱۳۸۷: ۳۶۴)، ضرورت خداشناسی و ارتباط با او معلوم می‌شود. از این رو بر معلمین و مربیان است که به پرورش ایمان و خداشناسی در افراد تحت تعلیم و تربیت توجه کامل داشته باشند، چراکه کوتاهی در این راه به هیچ وجه قابل بخشش نیست و پیامدهای بسیار خطرناکی در پی خواهد داشت. چنانکه داستایوسکی گفته است: «اگر خدا را از جهان برداریم، هر کاری برای آدمی مجاز است» (غروی، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰). این سخن بسیار به جا و حکیمانه است، زیرا اگر خدا از میان برداشته شود، هر جنایتی مجاز و هر کاری مباح می‌شود.

با توجه به ضرورت و اهمیت خداشناسی در مراحل تعلیم و تربیت است که معلمان الهی بر این مطلب تأکید کرده‌اند. پیامبر خدا (ص) فرمود: «هرگاه صاحب فرزند شدی، در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه بگو» (حرعاملی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۴۰۶) و نیز فرمود: «نخستین کلمه‌ای که در زبان کودکان می‌آورد کلمه طیبه لا اله الا الله [توحید] باشد» (الهندی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۶: ۴۴۱). امام سجاده علیه السلام در بیان حقوق فرزند بر پدر، یکی از حقوق فرزند را خداشناسی بار آوردن او بیان می‌کند: «وَالدَّلَالَةُ عَلَى رَبِّهِ» (حرانی، ۱۳۸۷: ۵۸۲). معلم و مربی نیز به عنوان پدر تعلیمی و تربیتی همین وظیفه را دارد.

۳-۱-۱-۱- درس خداشناسی امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام

امیر مؤمنان علی علیه السلام، دومین شخصیت جهان بشریت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، و بزرگترین معلم و مربی، درباره خداشناسی به فرزندش امام حسن علیه السلام چنین فرمود: «بدان پسر، هیچ کس چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خدا آگاهی نداده است... پسر، اگر خدا شریکی داشت، پیامبران او نیز به سوی تو می‌آمدند و آثار قدرتت را می‌دیدند و کردار و صفاتش را می‌شناختی، اما خدا، خدایی است یگانه، همان گونه که خود توصیف کرد. هیچ کس در مملکت داری او نزاعی ندارد، نابود شدنی نیست و همواره بوده است، اول هر چیزی است که آغاز ندارد و آخر هر چیزی که پایان نخواهد داشت. برتر از آن است که قدرت پروردگاری او را فکر و اندیشه درک کند...» (نهج البلاغه/ نامه ۳۱).

۳-۱-۱-۲-ارسطو و تعلیم و تربیت خداشناسی

درباره ضرورت پرداختن نظام تعلیم و تربیت به پرورش ایمان و خداشناسی در اطفال و شاگردان، ارسطو حکیم بلندآوازه یونان باستان، سخنان قابل توجهی دارد. او می‌گوید: «نباید قناعت بورزیم به اینکه عقول فرزندانمان را فقط با نور علم منور سازیم... بلکه بالاتر از همه اینها، واجب است اصول دین را در درون آنان که طبیعت به ودیعت نهاده است، برویانیم. آن اصول دین که منشأ ظهور اعتقادات قوی می‌شود و میان انسان و خدا ارتباط ایجاد می‌کند. قطعاً خدا است اول، خدا است وسط، خدا است آخر همه کائنات... ایمان به وجود او (خدا) پایه اساسی همه قوانین است. این عقاید بزرگ و ضروری است که باید فرزندان را با فرهنگ آنها تربیت نمود... این عقاید به سه موضوع برمی‌گردد: وجود الله، نظاره او بر هستی و عدل مطلق او که هیچ تمایلی به آن راه ندارد. انسان بدون این عقاید، در این دنیا در تضاد گم می‌شود... پس سزاوار است که از همان نخستین سالیان عمر فرزندان برای کاشتن بذر این عقاید مقدس در دل‌های همه آنان پیشدستی شود... هر تربیتی که دینی نباشد، ناقص است و باطل و هر دولتی که شهروندانش از این اصول بزرگ رویگردان یا از دیدن آنها نایبنا باشند، آن دولتی است رو به زوال» (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱۹: ۲۹۳-۲۹۴).

بر این اساس، اگر از طریق تعلیم و تربیت صحیح، نهال خداشناسی و خداواری در وجود شاگردان کاشته، آبیاری و تبدیل به درخت پربار شود، آن زمان است که بسیاری از معضلات جامعه حل می‌شود و زندگی‌ها سبک و فرهنگ اسلامی را به خود می‌گیرد.

۳-۱-۲-راهنماشناسی و ایمان به رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم

ایمان و اعتقاد به نبوت و رسالت خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که مبلغ وحی و راهنمای بشر است، از اصول دین و پایه‌های اعتقادی به شمار می‌رود. همچنین اعتقاد به امامت و ولایت اوصیای بعد از ایشان، یعنی امیرمؤمنان علی علیه السلام تا یازدهمین فرزندش حجه ابن الحسن العسکری علیه السلام لازم و از اصول مذهب شیعه اثنی عشری است. بنابراین، ایمان و آشنایی با سیره و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان باید در نظام تعلیم و تربیت جدأ مورد توجه قرار گیرد، تا از یک سو تأثیر مثبت و سازنده تعلیم و تربیت در عرصه‌های مختلف زندگی آشکار شود و از سوی دیگر به وظیفه دینی و مسئولیت شرعی عمل شود؛ زیرا تعلیم علوم اهل بیت به اطفال و شاگردان («علموا صبیانکم من علمنا» (حر عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۲۱: ۴۷۸)) و تربیت آنها بر محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت، یکی از وظایف مؤکد دینی به شمار می‌رود. چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فرزندانتان را بر سه خصلت تربیت کنید: محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و محبت اهل بیت آن حضرت و قرائت قرآن»^{۱۶})

^{۱۶} - «أدبوا أولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم، و حب أهل بیته و علی قراءة القرآن».

قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲) همچنین فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ...»^{۱۷}، فرزندانان را با محبت و دوستی به امام علی علیه السلام تربیت کنید» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۹۳). معلوم است که محبت بدون معرفت ممکن نیست، پس تربیت بر محبت، یعنی شناساندن پیامبر خدا(ص) و اهل بیت او به افراد تحت تعلیم و تربیت وابسته است.

۳-۱-۳- معاد باوری و به یاد آخرت بودن

بی تردید، معادباوری در کیفیت زندگی و به حداقل رسیدن جرم و جنایت در جامعه، تأثیر به‌سزا دارد. بنابراین هم از باب وظیفه دینی و هم از باب زمینه‌سازی برای کاهش و پیشگیری از جرم و بزهکاری در جامعه، ضرورت اقتضا می‌کند که در نظام تعلیم و تربیت، معادباوری و افزایش اطلاعات متعلمین در این زمینه، به طور جدی مورد توجه قرارگیرد. چنانکه در روایات معصومین علیهم السلام فراوان نسبت به آن تأکید شده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در راستای تعلیم و تربیت فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «پسر، بدان تو برای آخرت آفریده شدی، نه دنیا، برای رفتن از دنیا، نه پایدار ماندن در آن، برای مرگ، نه زندگی جاودانه در دنیا، که هر لحظه ممکن است از دنیا کوچ کنی و به آخرت درآیی. و تو شکار مرگی هستی که فرارکننده از آن نجاتی ندارد و هرکه را بجوید به آن می‌رسد و سرانجام او را می‌گیرد. پس، از مرگ بترس، نکند زمانی سراغ تو را گیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه کردن باشی و مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله اندازد که در این حال خود را تباه کرده‌ای. پسر، فراوان به یاد مرگ باش و به یاد آنچه که به سوی آن می‌روی و پس از مرگ در آن قرار می‌گیری...» (نهج البلاغه/ نامه ۳۱).

لقمان حکیم نیز برای تعلیم و تربیت فرزندش به مسأله معاد پرداخته و به طور حکیمانه، مرگ و برانگیخته شدن در قیامت را به خواب و بیدار شدن انسان از آن، تشبیه می‌کند، چنانکه فرمود: «يَا بُنَيَّ كَمَا تَنَامُ كَذَلِكَ تَمُوتُ وَ كَمَا تَسْتَيْقِظُ كَذَلِكَ تُبْعَثُ» (ورام بن ابی فراس، بی‌تا، ج ۱: ۸۰).

۳-۲- آموزش احکام اسلامی

در فرایند تعلیم و تربیت، آموزش احکام اسلامی باید یکی از اولویت‌های آموزشی باشد تا متعلمین با حلال و حرام الهی آشنا شوند. امام صادق علیه السلام فراگیری حلال و حرام را یکی از بایسته‌های مراحل تربیتی بیان می‌کند

^{۱۷} - این مطلب را اهل سنت به طرق متکثره و زیاد نقل کرده‌اند که در مسند احمد حنبل، فردوس الأخبار، مسند فخرخوارزم و... ذکر شده است. از عایشه با هفت طریق نقل کرده‌اند که رسول خدا(ص) فرمود: «یا معشر الأنصار أدبوا أولادکم علی حبّ علیّ علیه السلام».

۳-۲-۱- نماز و روزه

آنجا که فرمود: «کودک هفت سال بازی می کند، هفت سال خواندن و نوشتن را یاد می گیرد و در هفت سال سوم مقررات زندگی و حلال و حرام را می آموزد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۷). در بین احکام نسبت به نماز و روزه و یاد دادن نماز به اطفال و افراد تحت آموزش تأکید بیشتری شده است که در اینجا به این دو فریضه بزرگ الهی اشاره می کنیم:

جایگاه و اهمیت فوق العاده نماز و روزه به عنوان دو فریضه بزرگ الهی در تمام ادیان، به ویژه در اسلام عزیز، برکسی پوشیده نیست؛ تا جایی که در روایات، نماز مرز اسلام و کفر (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۲۴) عمود و پایه اسلام (نهج البلاغه/ نامه ۴۷)، معراج مؤمن (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۶۸)، موجب تقرب به خدا و... دانسته شده است. همچنین روزه به عنوان سپر آتش (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۹)، حجاب از عذاب آخرت (مصباح الشریعه/ ۱۳۵)، مایه صحت و سلامتی (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۵۹: ۲۶۷) و... معرفی شده است.

در روایاتی که درباره تعلیم و تربیت نقل شده، آموزش نماز به خردسالان فوق العاده مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله امام علی علیه السلام فرمود: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَ خَذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانَ سِنِينَ، به کودکان نماز یاد دهید و هنگامی که هشت ساله شدند آنها را به خواندن نماز وادار کنید» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۶۲۶) امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «ما کودکان را در سن پنج سالگی به نماز امر می کنیم، ولی شما فرزندان را در سن هفت سالگی به نماز خواندن امر کنید»^{۱۸} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۰۹). نماز که به تصریح قرآن کریم بازدارنده انسان از زشتی ها و منکرات است (عنکبوت/ ۴۵)^{۱۹}، اگر در دل و جان متعلمین ریشه بگیرد، در چگونه زیستن انسان اثرات فوق العاده خواهد گذاشت.

امام صادق علیه السلام در مورد روزه اطفال فرمود: «ما کودکان را در سن هفت سالگی به روزه امر می کنیم. به مقدار توانشان دستور می دهیم تا ظهر یا کمتر روزه بگیرند، وقتی تشنگی یا گرسنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می کنند. این کار را می کنیم تا به روزه گرفتن عادت کنند و توان بیابند. پس شما کودکان را در سن نه سالگی به روزه گرفتن امر کنید تا وقتی که طاقت تحمل دارند، وقتی عطش بر آنان غلبه کرد، افطار نمایند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۰۹).

چنانکه قبلاً هم اشاره کردیم، معلمان نیز به عنوان پدران تعلیمی در این باره وظیفه و مسؤولیت دارند که نسبت به نماز و روزه شاگردانشان، بی تفاوت نباشند.

^{۱۸} - «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسٍ سِنِينَ فَمَرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ...».

^{۱۹} - «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ».

اگر قرآن کریم در متن زندگی جا باز کرد و علاوه بر آموزش و تلاوت آن، سرلوحه عمل نیز قرار گرفت، آن زمان است که تأثیر مثبت و ثمرات ارزشمند تعلیم و تربیت در جامعه به منصه ظهور می‌رسد و نقش برجسته این دو، در زندگی با سبک و فرهنگ اسلامی در عرصه‌های مختلف، آشکار می‌شود.

۳-۴- آموزش اخلاق اسلامی

نقش کلیدی اخلاق در چگونه زیستن انسان غیر قابل انکار است، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی. در آموزه‌های دینی اعم از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام نسبت به اخلاق تأکید فراوان شده است تا آنجا که پرداختن به مسائل اخلاقی، مثل تعلیم و تربیت، یکی از فلسفه‌های بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان شده است؛ چنانکه خود آن حضرت فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من از آن جهت برانگیخته شدم که مکرمتها (شرافتها)ی اخلاقی را کامل و تمام کنم (و همه را بیاموزم)» (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۶: ۲۱۰).

خلاصه اینکه اسلام دین بزرگ اخلاق است و آموزشهای اخلاقی این دین از مهمترین آموزشهای اخلاقی تاریخ تعلیم و تربیت بشری است و در «قرآن کریم» آیاتی اخلاقی و تربیتی آمده است که از معجزات آشکار در معرفت نفس انسانی و توجه دادن انسان به فضایل است. در روایات نیز فراوان اخلاق محوری و خوش اخلاقی مورد تأکید و تمجید قرار گرفته است، مانند: نشانه‌ی کمال ایمان (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۹۹)، سرمایه‌ی هرنیکی، موجب گوارایی زندگی، باعث آبادانی شهرها و طولانی شدن عمرها (همان: ۱۰۰) و ...

مخفی نیست که مهمترین راه متخلق شدن انسان به اخلاق حسنه و فضایل نفسانی، راه تعلیم و تربیت است، پس احیا و تحکیم اخلاق اسلامی در وجود شاگردان، باید از اولویت‌های برنامه آموزشی و تربیتی باشد؛ زیرا علم منهای فضایل اخلاقی مثل شمشیر در دست زنگی مست خواهد بود که خطرش قابل انکار نیست. از این‌رو، در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نقل شده است که حضرت علم و ادب را در کنار هم، ملاک ارزش‌گذاری انسان معرفی کرده است. چنانکه خطاب به مرد باایمانی فرمود: «علم و ادب ارزش وجود تو است. در تحصیل علم کوشش نما، چون به هر مقدار که بر دانش و ادب افزوده گردد، قدر و قیمتت افزون می‌شود^{۲۲}». ادب نتیجه تربیت است و تربیت یعنی متخلق ساختن انسان به اخلاق اسلامی.

^{۲۲} - يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعْلُمِهَا فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَأَدَبِكَ يَزِيدُ فِي تَمَنِكَ وَقَدْرِكَ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۱).

نتیجه‌گیری

- علاوه بر اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت که قابل انکار نیست، نقش این حرکت انسان‌ساز در چگونه زیستن انسان و سبک زندگی اسلامی بسیار برجسته است، مشروط بر اینکه شاخصه‌های ذیل در آن رعایت شود:
- ۱- مبانی و مواد تعلیم و تربیت بر اساس آموزه‌های حیات‌بخش قرآن و سنت و عقل باشد یا حداقل مخالف منابع فوق نباشد.
 - ۲- مربی و معلمی که به کار گرفته می‌شود، علاوه بر داشتن شایستگی و صلاحیت لازم برای تعلیم و تربیت، باید پایبند به دستورات اسلامی و متخلق به اخلاق الهی باشند؛ زیرا فاقد شیء، معطی شیء نمی‌تواند باشد.
 - ۳- تقویت و بارور ساختن ایمان به مبدأ و معاد و رسالت پیام‌آور وحی، رسول خدا ﷺ و اوصیاء آن حضرت، در ذهن و قلب افراد تحت تعلیم و تربیت.
 - ۴- آشنا ساختن متعلمین با احکام اسلامی، قرآن کریم و اخلاق و فضایل اسلامی در کنار آموزش کتابهایی که در هر مقطع به طور رسمی تدریس می‌شود.
 - ۵- شکوفا ساختن نیروی عقل و فطرت خداشناسی که با قدرت مطلقه حق تعالی در نهاد هر انسانی قرار داده شده و مهمترین سرمایه بشری به شمار می‌رود و همچنین بارور ساختن وجدان اخلاقی متعلمان و متربیان و شناساندن انسان آنچنان که هست و آنچنان که باید باشد. زیرا این کار در چگونه اندیشیدن و چگونه زیستن انسان، نقشی فوق‌العاده دارد.
- به هر میزان که شاخصه‌های فوق در نظام تعلیم و تربیت رعایت و عملی گردد، به همان میزان، سبک زندگی‌ها به سمت اسلامی شدن خواهد رفت.



فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم .
۲. ابن ابی الحدید معتزلی ، عبدالحمید بن هبه الله (م ۵۶۶ق) ، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ، تحقیق محمد ابراهیم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۸ هـ ق، ۲۰۰۷ م .
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین ، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة ، تحقیق و تصحیح: مجتبی عراقی ، قم ، دار سید الشهداء للنشر ، ۱۴۰۵ ق .
۴. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد ، الکامل فی التاریخ ، ۱۳۹۹ .
۵. ابن بابویه قمی ، محمد بن علی ، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی ، قم، ۱۴۲۶ هـ ق.
۶. _____ علل الشرائع ، قم ، کتاب فروشی داوری ، ۱۳۸۵ ش .
۷. _____ ، عیون أخبار الرضا علیه السلام ، تحقیق و تصحیح : مهدی لاجوردی ، تهران ، نشرجهان ، ۱۳۷۸ ق .
۸. _____ من لایحضره الفقیه ، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۴۱۳ ق .
۹. اربلی، علی بن عیسی ، کشف الغمه فی معرفه الائمه (ع)، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸ ق.
۱۰. اسماعیلی یزدی، عباس ، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۹ .
۱۱. امینی ، ابراهیم ، اسلام و تعلیم و تربیت ، قم ، مؤسسه بوستان کتاب ، ۱۳۸۶ .
۱۲. انوری، حسن ، فرهنگ بزرگ سخن ، به سر پرستی حسن انوری، تهران ، سخن ، ۱۳۸۱ .
۱۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان ، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه ، قم ، مؤسسه بعثت ، ۱۳۷۴ ش .
۱۴. پورکریم ، محمد مهدی ، فرهنگ سیاسی نمونه، [بی جا]، انتشارات عبدالرحیم علمی ، ۱۳۵۸ .
۱۵. تمیمی آمدی ، عبدالواحد ابن محمد ، غررالحکم درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۶ .
۱۶. جعفری ، محمد تقی ، حکمت اصول سیاسی اسلام ، (ترجمه و تفسیر فرمان مالک اشتر)، چاپ دوم ، تهران ، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری ، ۱۳۸۶ .
۱۷. جعفری ، محمد تقی ، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ .
۱۸. جعفری ، محمد تقی ، حقوق جهانی بشر: مقایسه و تطبیق دو نظام: اسلام و غرب ، چاپ چهارم ، تهران ، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸ .

۱۹. جوادی آملی ، عبدالله ، مبادی اخلاق در قرآن ، تنظیم و ویرایش: حسین شفیعی ، قم ، مرکز نشر اسراء ، ۱۳۸۵ش.
۲۰. حرّانی ، حسن بن علی بن شعبه ، **تحف العقول عن آل الرسول (عليهم السلام)**، ترجمه: احمد جنتی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۱. حرعاملی ، محمد بن حسن ، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، تحقیق سید شهاب الدین مرعشی نجفی، بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۷.
۲۲. حسن زاده آملی ، حسن ، **مجموعه مقالات** ، قم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۶ .
۲۳. راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، **مفردات ألفاظ القرآن**، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت- دمشق ، دار القلم- الدار الشامیة ، ۱۴۱۲ ق .
۲۴. طبرسی، علی بن حسن ، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار** ، نجف اشرف ، المكتبة الحیدریة ، ۱۳۴۴ش چاپ دوم .
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن ، **تهذیب الأحکام** ، تحقیق و تصحیح: حسن الموسوی خراسان ، تهران ، دار الکتب الإسلامیة ، ۱۴۰۷ق ، چاپ چهارم.
۲۶. علم الهدی، علی بن حسین ، **أمالی المرتضی** ، تحقیق و تصحیح : محمد ابوالفضل ابراهیم ، قاهره ، دار الفكر العربی ، ۱۹۹۸ م .
۲۷. غرویانی ، محسن ، **سیری در ادلة اثبات وجود خدا** ، قم ، مؤسسه بوستان کتاب ، ۱۳۸۵.
۲۸. قمی، عباس ، **سفینه البحار** ، قم ، اسوه ، ۱۴۱۴ ق .
۲۹. کراچکی، محمد بن علی ، **کنز الفوائد** ، تحقیق و تصحیح: عبدالله نعمت ، قم ، دارالذخائر ، ۱۴۱۰ ق .
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب ، **الکافی** ، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی ، چاپ چهارم ، تهران ، دار الکتب الإسلامیة ، ۱۴۰۷ ق .
۳۱. لثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم و المواعظ** ، تحقیق و تصحیح : حسین حسنی بیرجندی ، قم ، دار الحدیث ، ۱۳۷۶ش .
۳۲. مازندرانی، محمد صالح بن احمد ، **شرح الکافی- الأصول و الروضة** ، تحقیق و تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران ، المكتبة الإسلامیة ، ۱۳۸۲.
۳۳. مجلسی ، محمدباقر، **بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الأئمة الاطهار(ع)**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۹ق- ۲۰۰۸ م .
۳۴. محقق فیروز آبادی ، **فضائل الخمسة** ، ترجمه ساعدی خراسانی ، قم ، انتشارات فیروز آبادی ، ۱۳۷۴ش .
۳۵. محمدی ، علی ، **شرح کشف المراد** ، قم ، دارالفکر ، چاپ چهارم ، ۱۳۷۸ .

۳۶. مصطفوی، حسن ، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم** ، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۸۶ش .
۳۷. مطهری ، مرتضی ، مجموعه آثار شهیدمطهری ، تهران ، صدرا ، چاپ چهاردهم ، ۱۳۸۶ش .
۳۸. _____ ، **تعلیم و تربیت در اسلام** ، تهران، صدرا، ۱۳۷۰ .
۳۹. مظفر، محمدرضا، **اصول الفقه** ، قم ، اسماعیلیان ، ۱۳۷۵ ش .
۴۰. مغنیه، محمد جواد، **الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعہ** ، بیروت، موسسه عز الدین ، ۱۴۱۴ ق.
۴۱. مفید، محمد بن محمد ، **الإختصاص** ، تحقیق وتصحیح : علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی ، قم ، المؤتمر العالمی للافیة الشیخ المفید ، ۱۴۱۳ ق .
۴۲. نوری طبرسی ، حسین ، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل** ، تحقیق: موسسه آل البيت(ع) لإحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۹ ق، ۲۰۰۸ م.
۴۳. **نهج البلاغه**، کلمات علی بن ابی طالب(ع)، ترجمه محمد دشتی، قم انتشارات پارسیان، ۱۳۸۳.
۴۴. **نهج الفصاحه**، سخنان پیامبراکرم(ص)، ترجمه علی اکبر میرزایی، قم، انتشارات چاف، ۱۳۸۵ .
۴۵. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی ، **مجموعه ورام**، آداب و اخلاق در اسلام ، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ، [بی تا].
۴۶. الهندی ، علی المتقی بن حسام الدین ، **کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال** ، مصحح: الشیخ صفوه السقا، بیروت ، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م .



